

Reconstructing Orientalists' Horizon of Expectations Based on Aesthetic Response to the Holy Quran (A Case Study of Theodor Nöldeke and Angelika Neuwirth)¹

Zahra Delavar Abrebekoo^{*}, Kobra Roshanfeker^{}**

Issa Motaghizadeh^{*}**

Abstract

The reception of the Quran as a literary and beautiful text has had a long history among Arabic speakers, and the Quran holds an unparalleled position in terms of eloquence and rhetoric in Islamic civilization. However, as the criteria for creating and evaluating the aesthetics of literary texts differ from society to society, with each society having its own unique way of perceiving beauty, this study focuses on two German orientalists, Theodor Noldeke and Angelika Neuwirth, to examine the aesthetic reaction to the Quran in a distinct and non-Arabic cultural context. Using a descriptive and analytical method based on Hans Robert Jauss' reception theory, we aimed to reconstruct their expectations and identify how the Quran influences a foreign linguistic space, and the effective factors in this process. It can be said that the aesthetic value of the Quran among Orientalists is influenced by the tasks they pursue in their Quranic studies. Although both of them have perceived the Quran as a literary text, their perception is outside the realm of aesthetic experience. They are like researchers who read a poetry

* PhD in Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University, z.delavar@modares.ac.ir

** Professor, Department of Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University (corresponding author), Kroshan@modares.ac.ir

*** Professor, Department of Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University, Motaghizadeh@modares.ac.ir

Date received: 2023/02/20, Date of acceptance: 2023/03/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

collection solely for extracting the customs of a period without paying attention to its aesthetic reasons and impact.

Keywords: Holy Quran, reception theory, aesthetic response, horizon of expectations, Theodor Noldeke, Angelika Neuwirth.



بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر واکنش زیبایی‌شناختی به قرآن کریم (مورد مطالعه تئودور نولدکه و آنجلیکا نویورت)^۲

زهرا دلوار ابریکوه*

کبری روشنفکر**، عیسی متقی‌زاده***

چکیده

دریافت قرآن به مثابه متنی ادبی و زیبا، در میان عرب زبانان پیشینه‌ای مدید داشته و قرآن از منظر فصاحت و بلاغت در تمدن اسلامی از جایگاه بی بدیل برخوردار است. نظر به اینکه معیارهای نگارش و ارزیابی زیبایی‌شناختی متون ادبی در جوامع مختلف، متفاوت بوده و هر جامعه‌ای شاخص‌های خاص خود را در سنجش و درک زیبایی دارد، در این پژوهش، با تمرکز بر دو تن از خاورشناسان آلمانی به نام‌های تئودور نولدکه و آنجلیکا نویورت، واکنش زیبایی‌شناختی به قرآن را در یک بافت فرهنگی متمایز و غیر عربی، بررسی نمودیم و ضمن به‌کارگیری روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر نظریه‌ی دریافت هانز روبرت یاوس، درصدد برآمدیم با بازسازی افق انتظارات آن دو، چگونگی تأثیر گذاری قرآن را در یک فضای زبانی بیگانه، واکاوی و عوامل مؤثر بر این فرآیند را، شناسایی نماییم. می‌توان گفت ارزش زیبایی‌شناختی قرآن در نزد خاورشناسان تحت تأثیر وظایفی است که آنها در پژوهش‌های قرآنی خود درصدد آن هستند. اگرچه هر دوی آنها قرآن را به عنوان یک متن ادبی

* دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، z.delavar@modares.ac.ir

** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، Kroshan@modares.ac.ir

*** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، motaghizadeh@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸



دریافت کرده‌اند، لیکن این دریافت یک تجربه‌ی زیبایی‌شناختی به شمار نمی‌آید. آنها همچون پژوهش‌گری هستند که دیوان شعری را بدون توجه به دلایل زیبایی و تأثیرگذاری آن، صرفاً جهت استنباط رسوم زندگانی مردم یک دوره، مورد خوانش قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نظریه‌ی دریافت، واکنش زیبایی‌شناختی، افق انتظارات، تئودور نولدکه، آنجلیکا نیورث.

۱. مقدمه و طرح مسئله

برتری زبانی قرآن، به عقیده بسیاری از اندیشمندان مسلمان، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر(ص) بوده و از مهم‌ترین براهینی است که حقانیت و سماویت وحی و تمایز ایشان را از سایر انبیاء اثبات می‌نماید. از این رو، این متفکران از سده‌های نخستین اسلام، پژوهش‌های بسیاری را در تبیین وجوه اعجاز قرآن به رشته‌ی تحریر در آورده و با اهتمام ویژه بر ابعاد ادبی قرآن، درصدد اثبات اعجاز بیانی و زیبایی بی نظیر آن و بطلان منشأ بشری‌اش، بوده‌اند. در این میان، به نظر می‌رسد سبک زیبا و معجزگونه‌ی قرآن در پژوهش‌های قرآنی خاورشناسان، مورد تردید و انکار قرار گرفته‌است، همانگونه که نوید کرمانی می‌گوید مطالعات اسلامی در غرب "جایگاه زیبایی‌شناختی قرآن در میان مسلمانان را نادیده گرفته و افسانه‌ی برتری سبکی آن را مضحک می‌دانند". (Kermani, 2014, 8) برخی از پژوهشگران در تحلیل چرایی این نگرش در مطالعات قرآنی غرب، عدم تسلط خاورشناسان بر علم بلاغت را، دلیل انکار زیبایی و اعجاز بیانی قرآن، عنوان می‌کنند، با این استدلال که مسائل بلاغی "مباحث عربی هستند که درک آنها برای غیر عربها دشوار بوده، و طنین کلمات برای بادیه نشینان گوش نواز است و همین‌طور صنایع بدیعی که به علم بلاغت عربی مرتبط هستند". (علی الصغیر، ۱۹۹۹، ۹۶) با این وصف، در این پژوهش، درصدد هستیم با استفاده از مقولات نظریه‌ی دریافت هانز روبرت یاوس (Hans Robert Jauss)، نوع و میزان تأثیر قرآن بر خاورشناسان و عوامل مؤثر بر این فرآیند را، شناسایی نماییم.

محور اصلی نظریه‌ی دریافت، تعامل میان متن و خواننده یا خوانندگانی است که متن را دریافت و به لحاظ زیبایی ارزش‌گذاری می‌کنند. یاوس به منظور بررسی این فرآیند، مفهوم "افق انتظارات (Horizon of Expectations)" را طرح نموده و اینگونه تبیین می‌نماید که ذهن خواننده، در لحظه‌ی دریافت یک متن، با مجموعه‌ای از معیارهای ادبی و زیبایی‌شناختی، تجربیات و هنجارها انباشته گردیده‌است، در نخستین لحظه‌های تعامل خواننده و متن، به

واسطه‌ی مجموعه‌ای از نشانه‌های آشکار و پنهان متن، خواننده برای دریافت متنی از یک گونه‌ی ادبی خاص [قصیده، غزل، رمان، داستان کوتاه]، مهیا می‌شود و با توجه به شناخت خود از انواع ادبی و همچنین سبک و مضمون آثار ادبی‌ای که وی آنها را پیشتر خوانده، انتظاراتی در او نسبت به متن پیش رو، شکل می‌گیرد و بر مبنای این انتظارات، نسبت به متن واکنش خاصی نشان می‌دهد. به اعتقاد یاوز، با بازسازی افق انتظارات خواننده، می‌توان دلیل واکنش‌های او به یک متن را، تا حد زیادی، شناسایی نمود. (Jauss, 1982, 88) در پژوهش حاضر، با بررسی واکنش‌های زیبایی‌شناختی خاورشناسان به قرآن و بازسازی افق انتظارات آنان، به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم: با در نظر گرفتن واکنش‌های زیبایی‌شناختی خاورشناسان به قرآن، چه مؤلفه‌هایی در تکوین افق انتظارات آنان، مؤثر بوده‌اند؟ به این منظور، بر دریافت خاورشناس آلمانی تئودور نولدکه (Theodor Noldeke) (۱۸۳۶-۱۹۳۰) یکی از بنیان‌گذاران مطالعات قرآنی از چشم انداز تاریخی و فقه‌اللغه و همچنین آنجلیکا نویورت (Angelika Neuwirth) (۱۹۴۳) به عنوان یکی از چهره‌های شاخص مطالعات ادبی- ساختارگرایانه متن قرآن، متمرکز می‌شویم. اهمیت این پژوهش در فهم چگونگی اثرگذاری قرآن در یک فضای زبانی غیر عربی و شناخت دلایل تفاوت ارزش زیبایی‌شناختی قرآن کریم میان عرب زبانان و غیر عرب زبانان بر مبنای استقرا و تعمیم، نهفته است.

پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون نولدکه عمدتاً بر دیدگاه‌های او در رابطه با انکار وحی و در نظر گرفتن پیامبر (ص) به عنوان مؤلف قرآن، ارتباط و تأثیر پذیری قرآن از کتب مقدس پیشین، بازچینش سوره‌ها بر مبنای گاه‌شمارانه، متمرکز شده‌اند. به اعتقاد ایمانوئل اشتفاندز (Emmanuelle Stefanidies) (۲۰۰۸)، استدلال نولدکه در ترتیب زمانی سوره‌ها متین، علمی و بدون تعصب می‌باشد. مطر هاشمی (۲۰۱۴) معتقد است پژوهش‌هایی نظیر پژوهش نولدکه بر مبنای حدس و گمان استوار بوده و قابل اعتماد نیستند چرا که نولدکه معترف گردیده که برخی نظراتش در کتاب تاریخ قرآن ناشی از غرور جوانی و شتابزدگی بوده است. از دید رضوان سید (۲۰۱۶)، تقسیم گاه‌شمارانه نولدکه و دیدگاه‌های او پیرامون تأثیرپذیری پیامبر (ص) از انبیای بنی اسرائیل، بر پژوهشگران بعدی، بیشترین تأثیر را داشته‌اند. به اعتقاد عادل عباس النصرای (۲۰۱۶)، مسأله سوره‌های مکی و مدنی ناشی از اعتقاد نولدکه به بشری بودن قرآن است.

در رابطه با آنجلیکا نویورت، به باور ریچل فریدمان (Rachel Friedman) (۲۰۱۲) می‌توان دیدگاه نویورت در ترتیب زمانی قرآن را در امتداد دیدگاه نولدکه قرار داد چرا که هر دوی آنها

به تکوین تدریجی قرآن معتقدند لیکن نیورث همچون نولدکه به افت سبکی قرآن معتقد نیست. اندرو ریپین (Andrew Rippin) (۲۰۱۳) معتقد است دیدگاه نیورث پیرامون انسجام اجزاء سوره‌ها، همواره قانع کننده نیست. به اعتقاد فاطمه سروی (۲۰۱۷) فهم خاورشناسان همچون نیورث از بینامتنیت قرآن بیشتر با نظریه‌ی تأثیر و تأثر هارولد بلوم (Harold Bloom) قرابت داشته و ارتباطی با نظریه‌ی ژولیا کریستوا (Julia Kristeva) ندارد. از دید عامر وائلی (۲۰۱۹) نیورث به مصدر الهی قرآن معتقد نبوده و نظریه‌ی او مبتنی بر بشریت قرآن است. سید علی زاده موسوی (۲۰۱۹) معتقد است عمده‌ی نظریات نیورث بیان‌گر انعکاس روایت‌های کتاب مقدس در قرآن بوده و کمتر به منزله‌ی تأثیر پذیری و اقتباس قرآن از آنهاست. ملاحظه می‌شود که آراء نیورث پیرامون بینامتنیت قرآن و کتب مقدس پیشین، رویکرد ساختارگرایانه و تأثیر پذیری وی از نولدکه، بیشترین توجهات پژوهشی را به خود معطوف نموده‌اند.

۲. مفهوم افق انتظارات

مفهوم "افق انتظارات" در نزد یاوس از سه مؤلفه تکوین می‌یابد: "تجربه‌ی پیشین خواننده از نوع ادبی‌ای که متن پیش رو به آن نوع تعلق دارد، شکل و مضمون آثار خواننده شده‌ی پیشین، تقابل زبان شاعرانه و زبان کاربردی" (Jauss, 1982, 22). یاوس، انواع ادبی و قواعد مربوط به هر نوع را بیانگر معیارها و عرف ادبی رایجی می‌داند که در خواننده نسبت به متن پیش روی او، انتظاراتی را ایجاد نموده و خواننده بر مبنای آنها، متن حاضر را مورد خوانش قرار می‌دهد. از دید یاوس "نمی‌توان هیچ متن ادبی را تصور نمود که با قرار دادن خود در یک خلأ اطلاعاتی، شرایط مخصوص فهم و دریافتش را نشان نداده باشد، چرا که هر متن ادبی لزوماً به یک نوع ادبی تعلق دارد" (Ibid, 79). دانشی از انواع ادبی مختلف همچون شعر، داستان، نمایش‌نامه و قواعد مربوط به هر گونه، در ذهن خواننده اندوخته گردیده‌است. در نخستین لحظات رویارویی خواننده با متن پیش‌رو، تعلق این متن به یکی از انواع ادبی، ضمن فراخوانی دانش خواننده از آن نوع، انتظاراتی را در وی نسبت به متن حاضر، ایجاد می‌نماید.

علاوه بر دانش انواع ادبی، اطلاعاتی نیز از متونی که خواننده آنها را بیشتر خوانده و با متن پیش‌رو به لحاظ نوع ادبی یا مضمون (بزمی، حماسی، تعلیمی)، قرابت و شباهت دارند، در حافظه‌ی خواننده بایگانی گردیده‌است و در لحظه‌ی تاریخی خواندن، "متن پیش‌رو، مجموعه‌ی کاملی از توقعات و معیارها را که بر مبنای متون از پیش خواننده شده در ذهن خواننده

شکل گرفته، فراخوانی می‌نماید." (Ibid, 79) آنچه در این میان اهمیت دارد عنصر تکرار و مشابهت است که موجب شکل‌گیری انتظارات در خواننده نسبت به متن پیش‌رو می‌شود، یاوس می‌گوید "ارتباط متن حاضر به سلسله متون پیشین از همان نوع ادبی، بر مبنای سیر مشابهت صورت می‌گیرد که همواره موجب ایجاد افق انتظارات و اصلاح آن، می‌شود." (Ibid) بر این اساس، اگر هر برهه‌ی تاریخی-ادبی را همچون دایره‌ای در نظریه‌گیری، ارتباط متن حاضر با متون پیشین در دایره، مدنظر قرار می‌گیرد. در رابطه با قرآن کریم، در برهه‌ی صدر اسلام، می‌توان از قصیده‌های جاهلی، خطبه‌ها و سجع کاهنانه، و حتی برخی از متون دینی، نام برد که به لحاظ نوع ادبی و مضمون با قرآن کریم، قرابت دارند و به همین خاطر، شنوندگان نخستین و به‌خصوص دشمنان پیامبر اکرم (ص) آن را با شعر و سجع کاهنانه هم‌گروه دانسته و ایشان را به شاعری متهم نمودند. (الحاقه ۴۱-۴۲) اگر چه در نخستین لحظات روایوی، آیات برای شنوندگان تداعی‌گر برخی از انواع ادبی موجود در آن دوره بودند و اینچنین توقعاتی را در شنوندگان برانگیختند، لیکن دیری نپایید که این توقعات درهم شکسته شد؛ چرا که قرآن علیرغم برخورداری از برخی عناصر شعر و سجع، نه شعر بود و نه سجع.

عامل سوم افق انتظارات، به هدف ادبیات و رسالت اجتماعی آن، مرتبط است. تقابل میان وظیفه‌ی کاربردی و یا شعری زبان، از جایگاه و میزان اهمیت ساختارهای زبانی و اینکه آیا به‌تنهایی دارای ارزش هستند یا خیر، تبیین می‌گردد. اگر متن ادبی به عنوان یک سند اجتماعی یا تاریخی در نظر گرفته‌شود و یا آن را تنها به عنوان وسیله‌ای برای شناخت مؤلف، قلمداد نمود، در این حالت، وظیفه‌ی کاربردی زبان، حائز اهمیت بوده و آواها و ابزارهای بلاغی متن هیچ ارزش جداگانه‌ای نخواهند داشت و متن اگر چه بعد ادبی خود را داراست لیکن در خدمت اهداف غیرهنری می‌باشد. لیکن اگر اهداف غیرهنری، در مرتبه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته و آواها و ابزارهای بلاغی متن به‌تنهایی ارزشمند به‌شمار آیند در این حالت، وظیفه‌ی شعری زبان متن، اهمیت می‌یابد. (ر.ک ایخناوم، ۱۹۸۲، ۳۵-۳۶) بر مبنای عناصر فوق، در این پژوهش، نخست به بررسی واکنش‌های زیبایی‌شناختی هر دو خاورشناس پرداخته و سپس افق انتظارات هر یک از آنان را در لحظه‌ی تاریخی دریافت قرآن، به‌طور جداگانه، بازسازی می‌نماییم.

۳. واکنش زیبایی‌شناختی به قرآن کریم

به منظور استنباط واکنش‌های تئودور نولدکه بر مقاله‌ی "قرآن" و همچنین کتاب تاریخ قرآن او متمرکز می‌شویم. در رابطه با ارزش زیبایی‌شناختی قرآن، به اعتقاد نولدکه، نخستین احساسی که قرآن در یک خواننده‌ی اروپایی بر جای می‌گذارد احساس حیرت است. از دید او، احساس زیبایی‌شناختی خواننده نسبت به بخش‌های مختلف قرآن، با توجه به تفاوت سبکی آنها، متغیر است و "تنها تعداد کمی از اجزای قرآن، توقعات زیبایی‌شناختی خوانندگان را برآورده می‌سازند" (Noldeke, 1982, 32). می‌توان گفت واکنش زیبایی‌شناختی نولدکه نسبت به قرآن آمیخته‌ای از یأس، حیرت و تحسین است. (جدول پیوست) احساس یأس و ناخشنودی او بیش‌تر از وقفه‌های ناگهانی در قصه‌های طولانی، طولانی بودن بیش از حد برخی قصه‌ها، عدم تسلسل حوادث قصه و حذف رابط میان اجزای قصه، و همچنین در سوره‌های فاقد داستان قرآن از عدم ارتباط قوی میان بخش‌ها، ابهام فراوان و واژگان زائد و تکراری، نشأت می‌گیرد. او می‌گوید "در هر حال، پیامبر سبک ممتازی ندارد. این برداشت یک اروپایی است که بدون پیش‌داوری قرآن را تورق نموده و با زبان عربی آشنایی دارد، البته بدون در نظر گرفتن تأثیرات آزاردهنده‌ی تکرارهای قرآنی که گویی تمامی ندارند" (Noldeke, 1982, 35).

فراز و نشیب احساسی نولدکه نسبت به قرآن در کتاب تاریخ قرآن نیز مشهود است؛ او گاهی سبک قرآن را عظیم و زیبا دانسته و هماهنگی میان اجزای برخی سوره‌ها را مورد ستایش قرار می‌دهد، سوره‌هایی که شروع خوب و پایان مناسب دارند همچون سوره‌ی شعراء و واقعه، و در برخی مواقع، با انتقاد از تکرار مداوم افکار در سوره‌ها، از تنوع اندک قصه‌های قرآنی ابراز نارضایتی می‌نماید. وی سوره‌های قرآنی را حسب ترتیب نزول به چهار دوره‌ی مکی اول، دوم و سوم و مدنی تقسیم نموده و به نظر می‌رسد رضایتمندی او بیشتر متوجه اسلوب سوره‌های مکی نخست است و هر چه از این مرحله فراتر می‌رویم این واکنش به ناخشنودی متمایل می‌گردد، از دید او، پیامبر (ص) "در بهترین حالت از سبکی متوسط برخوردار است و اهمیتش به عنوان یک نویسنده، در اصالت اوست، چرا که برای سند دین جدیدش، سبکی جدید با ماهیت کتاب‌گونه، ایجاد کرده‌است" (نولدکه، ۲۰۰۴، ۱۲۸) در مقایسه با این واکنش‌ها از سوی نولدکه به عنوان یک خواننده‌ی متعهد به پژوهش‌های تاریخی و فقه اللغه قرآنی در اواخر قرن ۱۹، باید دید این واکنش‌ها در رابطه با خواننده‌ی دیگری از همان مرزوبوم لیکن در واپسین دهه‌های قرن بیستم که مطالعات ادبی و ساختارگرایانه قرآن رونق گرفته، به چه شکل است؟

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهره دلاور ابریکوه و دیگران) ۵۵

آنجلیکا نویورت به ارتباط میان اعجاز قرآن و بلاغت آن اذعان داشته و معتقد است قرآن در عصری نازل شد که دیگر اعمال شگفت انگیز سبب حیرت مردم نبود، بلکه در عصری که خطیب سائرین را، در سخن گفتن، به مبارزه می‌طلبید... آن عصر، دیگر عصر سحر و علم نبود، بلکه عصر تفسیر بود و بر همین اساس، قرآن خود را همچون یک متن بلاغی ارائه نمود".
(Neuwirth, 2010, 141-142) بررسی واکنش زیبایی‌شناختی نویورت نشان می‌دهد که وی سبک قرآن را تحسین نموده و آن را همچون متنی زیبا در نظر می‌گیرد، او می‌گوید

من بسیار علاقه دارم قرآن را به عنوان یک متن فاخر بخوانم. دیوان حافظ و اشعار ملای رومی هم برای من بسیار زیبا و جذاب هستند اما قرآن جذابیت ویژه‌ای دارد. ترتیل و تجوید قرآن هم برای من خیلی جذاب است. (نویورت، ۱۳۸۶، ۳۱)

لیکن واکنش نویورت به قرآن، همواره همراه با رضایتمندی نیست، انتظارات او گاهی با یأس مواجه می‌شوند. این یأس بیشتر از ترتیب فعلی سوره‌هاست، او معتقد است چینش فعلی سوره‌های قرآن از هیچ دلیل منطقی گاه شمارانه یا دینی پیروی نمی‌کند و "مجموعه‌ای از متون غیر مرتبط و بسیار متنوع به لحاظ ساختار را تشکیل داده‌است که نمی‌توان آن را در قالب ادبی خاصی گنجانده". (Neuwirth, 2002, 247) و این چینش، بیانگر بی‌دقتی و شتابزدگی در جمع‌آوری قرآن است.

مشکل عمده‌ی ترتیب فعلی، از دید نویورت، نخست از بین رفتن امکان دسترسی به فضای عصر نزول است که بافت عبادی و تعاملی آن دوره را منعکس می‌نمود، و دیگر، تدوین سوره‌های مدنی طولانی با ساختارهای پیچیده و متشکل از مضامین متعدد، در کنار سوره‌های کوتاه و متوسطی است که با هنرمندی ترکیب شده‌بودند. به این ترتیب، مجموعه‌ای از متون نامتجانس حاصل گردیده‌است. او نیز همچون نولدکه از ساختار سوره‌های مدنی، ناخشنود و مأیوس شده و معتقد است این سوره‌ها مشتمل بر چندین جزء هستند و "این اجزاء ساختار ادبی منسجمی تشکیل نمی‌دهند، و ادعای ساختارمند بودن سوره‌هایی را که با دقت ترکیب شده‌اند، نقض می‌کنند". (Neuwirth, 2002, 248) وی تأکید می‌نماید "سوره‌های مدنی از هیچ ترکیب هماهنگی برخوردار نبوده و نمی‌توان آنها را همچون بخش‌هایی در نظر گرفت که با دقت و ظرافت ترکیب شده‌اند و به نظر می‌رسد که این نظام [سوره‌های مدنی] نتیجه‌ی عملیات تدوین مصحف است". (Ibid, 264) واکنش و پاسخگویی همراه با یأس هر دو خاورشناس به خصوص نولدکه، بیانگر درهم‌شکستن انتظارات آنان و عدم همخوانی افق متن قرآن با این انتظارات است. در لحظه‌ی تاریخی دریافت قرآن، چه توقعاتی موجب برانگیختن

چنین واکنش‌هایی از سوی هر دو خاورشناس، شده‌است؟ در ادامه‌ی پژوهش، با بازسازی افق انتظارات آنان، درصدد هستیم دلایل واکنش‌های زیبایی‌شناختی هر دو را، شناسایی نماییم.

۴. بازسازی افق انتظارات تئودور نولدکه

۱.۴ نوع ادبی قرآن

این عنصر از ذهنیت خوانندگان پیرامون نوع ادبی‌ای که متن جدید در آن قالب تحریر شده، شکل می‌گیرد. در هر فرهنگی، تعریف خاص و متفاوتی از شعر و یا نثر وجود دارد و می‌توان گفت تعیین نوع ادبی یک متن، تابع بافت ادبی - تاریخی آن دوره است. در رابطه با نولدکه، تمایز میان شعر و نثر، در آگاهی او، قابل ملاحظه است؛ وی در تقسیم‌بندی گاه‌شمارانه‌ی سوره‌ها، از طبیعت شعرگونه سوره‌های دوره‌ی نخست و ماهیت نثری سوره‌های دوره‌های بعد سخن گفته و اظهار می‌دارد:

سخن نثرگونه‌ی بلند نمی‌تواند با خیال آن گونه که شایسته است، همگام باشد و سرگردان است. طول فزاینده‌ی آیات ارتباط تنگاتنگی با سبک سوره‌ها دارد که بیشتر در حال نثری شدن است. و از قالب شعری تنها قافیه باقی مانده است. (نولدکه، ۲۰۰۴، ۱۲۸)

از این سخن، دو معیار انواع ادبی در ذهن او قابل شناسایی است: ارتباط نوع ادبی با طول عبارات و آیات، اعتماد شعر بر قافیه و خیال. بر مبنای اظهارات نولدکه پیرامون اسلوب سوره‌ها، مهم‌ترین معیارهای شکل گرفته در ذهن وی از انواع ادبی که نقش بسزایی در برانگیختن توقعات او نسبت به قرآن داشته‌اند، به این شرح می‌باشند:

۱.۱.۴ ضرورت همسان بودن طول آیات: طول آیات از معیارهای مهم نولدکه برای

بررسی اسلوب سوره‌ها در دوره‌های مختلف است. توقع او از ضرورت هم اندازه بودن همه‌ی آیات یک سوره، به خصوص در بررسی سوره‌های دوره‌ی نخست، کاملاً آشکار بوده و معیار او برای سنجش وحدت اندام‌وار سوره به شمار می‌آید؛ از دید او، ضروری است همه‌ی آیات یک سوره از الگوی همسانی طول پیروی کنند و در صورت عدم تبعیت از این الگو، به اعتقاد نولدکه، زائد هستند و بعدها به ساختار سوره اضافه شده‌اند. به طور نمونه، در بررسی ساختار سوره‌ی تین، می‌گوید: "گمان می‌کنم آیه‌ی ششم سوره‌ی تین بعدها اضافه شده‌است، زیرا طول آن از طول آیات دیگر بلندتر است." (نولدکه، ۲۰۰۴، ۸۷) از دید وی، عدم تبعیت آیات

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهره دلاور ابریکوه و دیگران) ۵۷

یک سوره از طول یکسان، منجر به پریشانی سبک سوره شده و بر انضمام آیه‌ی خارج از قاعده در زمانی دیگر، دلالت دارد، او درباره سوره‌ی طور می‌گوید:

در سوره‌ی طور که شامل شرح کاملتری از بهشت است، آیتی وجود دارد که متعلق به دوره‌ی دوم هستند، منظوم آیه‌ی ۲۱ است که سبک سوره را برهم‌ریخته و به لحاظ طول، سه برابر طولانی‌تر از همه‌ی آیات سوره است، و آیات ۲۹ و مابعد آن نیز همین گونه‌اند. (همان، ۹۶)

در تقسیم‌بندی گاه‌شمارانه نولدکه، نمونه‌های بسیاری از توقعات وی در ضرورت هم‌اندازه‌بودن همه‌ی آیات یک سوره، مشهود می‌باشد، این درحالی است که ضرورت همسان و هم‌اندازه‌بودن عبارت‌ها از ویژگی‌های مهم نوع شعر است و از تعداد "تفعیلات" در هر بیت و بحر عروضی حاصل شده و ضروری است تمام مصرع‌های یک شعر (شعر کلاسیک) به لحاظ طول از اندازه‌ی واحد و یکسان، پیروی نمایند.

۲.۱.۴ ضرورت همسان بودن قافیه: قافیه از اختصاصات شعر است. بیشتر شعر عربی و به‌خصوص شعر کلاسیک عربی به اتحاد قافیه در همه‌ی ابیات یک شعر، پای‌بند هستند. (احمد بدوی، ۱۹۹۶، ۳۴۵-۳۴۶) قافیه را می‌توان مدار پژوهش اسلوبی نولدکه دانست، او به ضرورت اتحاد قافیه‌ی تمام آیات یک سوره اعتقاد دارد و عدم التزام یک آیه به این اتحاد، به عقیده وی به معنای اضافه شدن آن آیه به ساختار سوره در دوره‌های بعد است. سخن نولدکه پیرامون اسلوب سوره‌ی مریم این ادعا را به‌خوبی اثبات می‌کند؛ او معتقد است آیات ۳۴-۴۱ و هم‌چنین آیات ۷۵-۷۸ این سوره، بعدها اضافه شده‌اند چرا که تمام قافیه‌های سوره به "یا" و "ینا" و "یا" ختم شده‌اند لیکن آیات مذکور به "ون" منتهی می‌شوند و در ادامه می‌گوید "نظر به همسانی کامل قافیه در آیات ۱-۳۴ و ۴۱-۷۵ هیچ‌شکی نیست که آیات مذکور در وقت دیگری به این سوره اضافه شده‌اند". (نولدکه، ۲۰۰۴، ۱۱۶) وی بر همین اساس، بر اضافه شدن آیات ۸-۱۱ سوره‌ی بروج و برخی آیات سوره‌ی "ص" نیز حکم می‌نماید.

می‌توان گفت توقع نولدکه از شعرگونگی قرآن، در اعتقاد او به ضرورت همسانی همه آیات یک سوره در قافیه و هم‌اندازه بودن آنها، متجلی می‌شود. تبعیت از یک الگوی واحد در آیات نخستین، توقعاتی از تکرار همان الگو در آیات بعدی در ذهن او ایجاد می‌نماید. این نوع توقعات در هنگام خواندن یک شعر کلاسیک بسیار طبیعی است؛ چرا که ذهن پس از خواندن یک یا چند بیت مهبای پذیرش یک الگوی خاص در ابیات بعدی می‌شود و در همین راستا ظرفیت خواننده برای پذیرش الگوهای دیگر کاهش می‌یابد، چنانکه ریچاردز معتقد است

ضرب آهنگ از تکرار و توقع تشآت می‌گیرد و این "تکرار و توقع و نشانه‌های ضرب آهنگ و وزن از انتظارات ما سرچشمه می‌گیرد و این انتظارات معمولاً به طور ناخودآگاه شکل می‌گیرند". (ریتشاردز، ۲۰۰۵، ۱۸۵)

بدون شک توقعاتی که شعر در خواننده بر می‌انگیزاند با توقعات برانگیخته شده از یک نثر، متفاوت است. خواننده یک متن نثری، معمولاً خود را برای شنیدن و تکرار ضرب آهنگ و موسیقای خاص، مهیا نمی‌کند و حتی توقع موسیقایی خاصی از یک قطعه‌ی نثری ندارد. بر این اساس، نولده که با خواندن سوره‌های مکی دوره سوم و سوره‌های مدنی، با توجه به موضوع تشریحی و طبیعت نثری این سوره‌ها، توقع بروز ضرب آهنگ خاص و یا آوای خاصی را ندارد و حضور قافیه در این سوره‌ها موجب یأس او می‌شود، چنانکه می‌گوید:

اشتباه محمد در تقید دائم به شکل شبه شعری است که در بدایت نزول آن را متناسب با ذوق شنوندگان به کار گرفته بود. او در مواضع نثری نیز از قافیه استفاده می‌کند و این‌گونه نتیجه حاصله غیرقابل قبول است و موجب عدم تناسب اسلوب و موضوع می‌شود. (Noldeke, 1982, 32)

در حقیقت این یأس نولده که از توقعات او نشأت گرفته و این پرسش مطرح می‌گردد که چرا نولده که توقع دارد همه‌ی آیات یک سوره به لحاظ طول مساوی باشند و قافیه‌ی یکسان داشته باشند و در سوره‌های طولانی هیچ ضرب آهنگی به کار نرفته باشد؟ به منظور پاسخ به این پرسش، توجه به معیارهای زیبایی‌شناختی نولده که و بازسازی عنصر دوم افق انتظارات ضرورت می‌یابد؛ تمرکز این عنصر بر متون موجود در بایگانی ذهنی خواننده‌ها است که در تکوین معیارهای زیبایی‌شناختی او، نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای بازسازی آن و شناخت معیارها، نخست به بررسی ارتباطی که خواننده میان متن جدید با سایر متون موجود در بافت ادبی-تاریخی، برقرار می‌سازد، می‌پردازیم و سپس متونی را که در شکل‌گیری عرف ادبی حاکم بر لحظه‌ی تاریخی دریافت (اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰) مؤثر بوده‌اند، مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

۲.۴ ارتباط با متون پیشین

این عنصر در حقیقت، تشابه شکلی یا مضمونی متن جدید با متون پیشین است که توقعاتی را در خواننده بر می‌انگیزد. بر این اساس، ملاحظه می‌شود که نولده که به مشابهت شکلی میان قرآن

با قصیده‌ی جاهلی و همچنین سجع کاهنانه و اشتراکات میان آنها، توجه بسیاری مبدول می‌دارد.

نخستین اشتراک میان قرآن و قصیده‌ی جاهلی، از دید نولدکه، در بکارگیری زبان ادبی فصیح، نهفته‌است، او می‌گوید "قرآن به هیچ وجه به هیچ لهجه‌ی محلی نگاشته نشده‌است، بلکه زبانی شبیه به قصیده‌های دوره‌ی ماقبل اسلام، دارد." (Noldeke, 2013,260) او همچنین به بررسی مشترکات میان قرآن و شعر جاهلی به لحاظ قواعد قافیه می‌پردازد، قواعدی نظیر مد فتحه و تبدیل آن به الف در فاصله‌های قرآنی و قافیه‌ی شعری، عدم تلفظ فتحه در هر دوی آنها، مشابهت در اخفا و یا تبدیل "یاء" متکلم در فواصل قرآن و قوافی شعر. (همان، ۳۵) از دید او، قرآن علاوه بر بکارگیری قافیه‌های شعری، از آرایه‌ی جناس که مختص شاعران بود، نیز استفاده می‌نماید و نمونه‌هایی از این مشابهت‌ها را میان قرآن و شعر شاعرانی چون شنفوری، لید و خنساء، برمی‌شمارد. نولدکه همچنین به بررسی اشتراکات شکلی میان قرآن و سجع کاهنانه پرداخته و می‌گوید: "سجع یکی از اشکال ادبی آن دوره بود و در میان عرب محبوبیت داشت و محمد نیز آن را به کار گرفت" (Noldeke, 1982,33) اولین تشابه شکلی قرآن و سجع، در تغییر قرینه پس از چند عبارت کوتاه است که در "قرآن به وفور، و به‌خصوص در سوره‌های قدیمی‌تر، ملاحظه می‌شود" (نولدکه، ۲۰۰۴، ۳۹-۴۰) بکارگیری کلمات سوگند در ابتدای سوره‌ها نیز از دیگر مشابهت‌های قرآن و سجع کاهنانه است که نولدکه به آن پرداخته و برای آنها نمونه‌هایی را ذکر می‌نماید.

نولدکه با بررسی شکل هنری شعر آن دوره، وزن و قافیه را دو معیار اساسی قصیده‌ها برمی‌شمارد که شاعران جاهلی از دیرباز به آنها، پای بند بوده‌اند. (نولدکه، ۲۰۰۴، ۳۴) او در ادامه به بررسی ویژگی فنی سجع پرداخته و معیاری را نیز برای آن در نظر می‌گیرد که از عبارت‌های کوتاه، تبعیت دو یا چند عبارت از قرینه‌ی یکسان و قاعده‌ی وقف در پایان عبارات، تشکیل می‌شود. این اشتراکات و مشابهت‌ها میان قرآن و متون ادبی آن دوره، انتظاراتی قصیده‌گونه و سجع‌گونه از سوره‌های قرآن را، در آگاهی نولدکه شکل داده‌اند. این انتظارات او را برآن داشته که سوره‌ها را با معیار قصیده و سجع، ارزیابی نموده و در صورت عدم تبعیت آیات از معیارهای مذکور، متحیر و مأیوس گردد. سخن او این ادعا را به خوبی اثبات می‌نماید آن هنگام که می‌گوید پیامبر(ص) سبک متداول کاهنان را به کار برده‌است لیکن به معیار تساوی عبارات مختلف در طول، پای بند نبوده و آیات را در سوره‌های بعدی، مکرراً طولانی می‌نماید، وی در بکارگیری فاصله نیز آزادانه عمل می‌نماید. (نولدکه، ۲۰۰۴، ۳۴) و بر این اساس، در حین

مواجهه با آیه‌ی خارج از معیار، آن را آیه‌ای زاید می‌پندارد که در زمانی دیگر به ساختار سوره اضافه شده‌است.

این انتظارات معمولاً به طور ناخودآگاه در خواننده شکل گرفته و نمی‌توان خواننده را به این خاطر مورد نقد قرار داد، پس اگر چه طبیعت عرف ادبی ایجاب می‌نماید که در حین خواندن یک شعر کلاسیک، توقع برابری ابیات به لحاظ طول را داشته باشیم، لیکن این عرف نباید تبدیل به یک قانون لازم‌الاجرا در تمام انواع ادبی مشابه با شعر شود و در صورت عدم تبعیت ادیبی از این عرف، سبک او را مورد تردید قرار داده و ضعیف بدانیم. این همان جنبه‌ی زیبایی‌شناسی زدایی و خروج از عرف می‌باشد که موجب پیشرفت و تحول ادبیات و هنر در طول تاریخ شده‌است، به اعتقاد یاوز "اگر عمل جدید به طور کامل مطابق با توقعات خوانندگان باشد در حد یک کتاب آشنایی است". (یاوز، ۲۰۰۴، ۴۷) به همین خاطر، قرآن در بدو نزول به دلیل زبان و ساختار ادبی، در شنوندگان نخستین، توقعاتی همچون نصوص ادبی که پیشتر شنیده بودند، برانگیخت، لیکن خروج قرآن از عرف ادبی و معیارهای موجود، عامل مهم‌تری در جلب توجه و حیرت آنها بود.

اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که چرا درهم شکسته شدن انتظارات نولدکه از قرآن، موجب خشنودی و تأثیرگذاری بیشتر قرآن بر وی، نگردید؟ در راستای پاسخگویی به این پرسش، توجه به دو نکته ضروری می‌نماید: نخست عرف ادبی رایج در دوره‌ی زندگی نولدکه و دیگر ضرورت بازسازی عنصر سوم افق انتظارات پیرامون کارکرد زبان.

۱.۲.۴ عرف ادبیات یونانی: در راستای شناخت کامل انتظارات نولدکه، توجه به این نکته ضروری است که گاهی یک اثر و یا ادبیات تبدیل به الگوی برتر در یک فرهنگ می‌شود تا جایی که میزان مطابقت آثار با آن الگوی برتر، شاخصی برای سنجش موفقیت آنان، در نظر گرفته می‌شود. در رابطه با دوره‌ی حیات نولدکه، ادبیات کهن یونانی، تبدیل به الگوی والای ادبی آلمان، شده بود، این گرایش به حدی بود که، به اعتقاد یاوز، آلمانی‌ها، در آن برهه، خود را وارثان راستین یونان می‌پنداشتند که می‌بایست ویژگی‌های ادبیات یونانی را به طور کامل محقق سازند. (یاوز، ۲۰۰۴، ۲۴-۲۵) این شیفتگی به ادبیات یونانی و به خصوص میراث ارسطو در آثار نولدکه نیز کاملاً مشهود بود و خود او به آن اذعان می‌نماید. (رک نولدکه، ۱۳۸۵، ۴) در فرآیند دریافت قرآن، دیدگاه‌های ارسطو پیرامون ویژگی‌های تراژدی و خطابه، معیارهای زیبایی‌شناختی نولدکه را تشکیل می‌دهند چرا که در هنگام بررسی سوره‌ها درصدد شناسایی عناصری بر می‌آید که ارسطو برای هر یک از فنون روایت و خطابه، برمی‌شمارد.

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهره دلاور ابریکوه و دیگران) ۶۱

رسوخ معیارهای روایت ارسطو در آگاهی نولدکه، به خصوص آن هنگام که با در نظر گرفتن هر سوره به عنوان یک "فعل تام" در صدد دستیابی به وحدت اندام وار و موضوعی در سوره‌هاست، تجلی می‌یابد، او توقع دارد هر سوره شروع و پایان منطقی داشته باشد و هر جزء سوره نیز ارتباط قوی و منطقی با اجزای مجاور خود داشته باشد و در هر سوره، تنها زندگانی یک پیامبر، روایت شود. از دید وی، سوره‌هایی که از این قاعده پیروی نمایند، از ترکیب زیبایی برخوردارند و می‌گویند "برخی سوره‌ها به نیکویی ترکیب شده‌اند و علاوه بر شروع خوب، پایانی مناسب دارند". (نولدکه، ۲۰۰۴، ۲۸) همچون سوره‌ی یوسف که "شامل یک مقدمه‌ی کوتاه، سپس تاریخ یوسف و چند نتیجه‌گیری در پایان بوده، و انسجام کامل سوره را تبیین می‌نماید" (Noldeke, 1982, 24) او از وحدت موضوعی این سوره نیز سخن گفته و معتقد است که "تمام آیات سوره، تنها به یک موضوع اختصاص دارند و آن زندگانی یوسف است به جز چندین آیه‌ی پایانی که البته به آیات پیشین مرتبط هستند". (نولدکه، ۲۰۰۴، ۱۳۷) لیکن در مورد سایر سوره‌ها، او به عدم دقت کافی در ترکیب اجزای سوره و جهش از موضوعی به موضوع دیگر و انفصال اجزاء، حکم می‌نماید. نمونه‌هایی بسیاری از توافق توقعات نولدکه با قوانین روایت و خطابه‌ی ارسطو در کتاب تاریخ قرآن مشهود است که ذکر همه‌ی آنها در این مجال نمی‌گنجد. از چشم‌انداز نقد ادبی، تلاش جهت تحمیل ویژگی‌های یک الگوی ادبی بر سایر متون ادبی از اشکالات عمده‌ی پژوهش‌های نقدی به شمار می‌آید. (ر.ک ریتشاردز، ۲۰۰۵، ۱۸۰)

۳.۴ کارکرد متن

از سخنان نولدکه اینگونه استنباط می‌شود که وی به وظیفه‌ی کاربردی ادبیات معتقد است؛ حسب انتظار او، ادبیات باید تصویرگر صادقی از جامعه باشد و روحیه‌ی مردم هر عصر را منعکس نماید. به همین خاطر، او علاقه‌ی بسیاری به قصیده‌های جاهلی دارد با این وصف که

آنها تصویری پویا از مردم عرب قدیم با تمام فضیلت‌ها و عیب‌ها، بزرگی‌ها و محدودیت‌هایشان، ارائه می‌دهند، آنها نه اساطیری پراکنده‌اند و نه افکار متراکمی که به زبان شعر بیان شده باشند، بلکه شعری است که وظیفه‌ی اصلی خود را بر توصیف واقع‌گرایانه‌ی زندگی و طبیعت با اندکی تخیل، متمرکز نموده‌است. (نولدکه، ۱۹۷۹، ۴۰)

براین اساس، قرآن کریم نیز اگر چه بسیاری از ابعاد زندگی جاهلی را به تصویر می‌کشد همان‌گونه که طه حسین معتقد است زندگی جاهلیت را باید در قرآن بجوییم و نه در شعر جاهلی" (حسین، ۱۹۹۶، ۵۷) لیکن این تصاویر صادقانه‌ی قرآن، جاذبه‌ای برای نولدکه ندارد که علت آن را می‌توان گرایش‌های لیبرالیستی وی دانست.

نولدکه از نسل روشنفکران قرن نوزدهم است که با شروع عصر روشنگری و رواج دین‌زدگی ناشی از فشارهای کلیسا و جنگ‌های صلیبی، گرایش‌های آزادیخواه و لیبرال یافته‌اند. این گرایش‌ها، تا حد زیادی، دلیل واکنش‌های متفاوت نولدکه را به قرآن و شعر جاهلی، تفسیر می‌نماید. او اذعان می‌دارد که "من هیچ‌گونه اهمیتی به دین‌های متعصب که دیگران را تحت فشار می‌گذارند، ندارم... توجه من تنها بر انسانیت راستین معطوف است." (نولدکه، ۱۳۸۵، ۴) در مقابل، وی با ستایش روحیه‌ی جوانمردی در شعر جاهلی، آن را هم‌چون اسوه‌ای دانسته، و می‌گوید "در مقایسه با روح بندگی در ادبیات بسیاری از ملت‌های آسیایی، روحیه‌ی مردانگی تجلی‌یافته در قصیده‌های عرب ساکن صحراء، می‌تواند الگویی باشد که به آن اقتدا کنیم." (نولدکه، ۱۹۷۹، ۴۰) پس واضح است که قرآن به عنوان یک متن دینی قدیمی، با تفکرات آزادیخواهانه نولدکه همخوانی نداشته و چه بسا در مقابل آن باشد. پس در عصری که دین عاملی برای منع آزادی مردم، شناخته می‌شود، طبیعی است که فضای فکری جامعه، مهبای پذیرش مفاهیم لاهوتی کلاسیک نباشد.

۵. بازسازی افق انتظارات نیورث

۱.۵ نوع ادبی قرآن

انتظارات نیورث از سبک قرآن، بیانگر تحولات قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با نولدکه است، او هم‌چون نولدکه در صدد بررسی نوع ادبی قرآن و دستیابی به وحدت اندام‌وار در سوره بر مبنای اتحاد وزن و قافیه، نیست. او با دیدگاه نولدکه پیرامون کاهش تدریجی جذابیت و کیفیت قافیه‌ها در مسیر حرکت از سوره‌های مکی به مدنی، مخالف بوده و معتقد است تغییرات صورت گرفته بر روی قافیه‌های قرآنی، دارای کارکرد ادبی بوده و نمی‌توان آنها را ناآگاهانه دانست. (Neuwirth, 2002, 251) از دید او، بررسی قافیه‌ها گام نخست و ضروری در فهم کیفیت ترکیب سوره است.

نویورث با نگرش ساختارگرایانه به سوره‌ها، هر سوره را به عنوان واحدی یکپارچه در نظر گرفته، و بر مبنای قافیه و سبک، سوره را به اجزاء کوچکتر تقسیم می‌نماید و با برقراری ارتباط میان این اجزاء با کلیت سوره، به دنبال کشف انسجام معنایی سوره، می‌باشد. به عنوان نمونه، وی معتقد است سوره‌ی قیامت از مجموعه آیاتی با ترکیب ۵+۵+۵+۶+۶+۶ تشکیل شده است. این ترکیب در مورد سوره‌ی معارج به شکل ۹+۷+۷+۷+۷+۶ است. او در مورد سایر سوره‌های مکی نیز، چنین تقسیم‌بندی‌هایی را معین می‌سازد. اشکالاتی متوجه روش نویورث است؛ چرا که بر مبنای این روش، هر سوره می‌بایست از تقسیم‌بندی نویورث تبعیت کرده و هر جزء بتواند افکار او را شرح دهد. لذا ممکن است آنچه در متن سوره وجود نداشته باشد به آن تحمیل شود تا انتظارات نویورث از وظیفه‌ی هر جزء و مقطع، محقق شود. از طرفی، فرآیند تقسیم‌بندی اجزای سوره، امری نسبی و سلیقه‌ای بوده و ممکن است خواننده‌ی دیگری با آن موافق نباشد.

در خصوص انتظار وحدت و انسجام در سوره، همانگونه که ملاحظه گردید این توقع پیش‌تر در آگاهی نولدکه، تحت تأثیر مبانی ارسطویی شکل گرفته بود، لیکن این نگرش نویورث، متأثر از "نقد واکنش خواننده" و فلسفه‌ی پدیدارشناسی است که بر مشارکت فعالانه‌ی خواننده در تشکیل معنای متن، تکیه دارد. در روش نویورث، انسجام از شکاف‌های موجود در متن، تکوین یافته و شکاف‌ها جزء لاینفک متن قلمداد می‌شوند. براین‌اساس، نویورث در یکی از مقالات خود، با تمرکز بر سوره‌هایی که با مجموعه‌ای از قسّم‌ها آغاز شده‌اند، شکاف میان مجموعه قسم را با سایر اجزاء سوره، تعیین و سعی می‌نماید بر مبنای کلیت منسجم سوره، این شکاف‌ها را تکمیل نماید. در تحلیل وی از سوره‌های عادیات و

مرسلات، این شیوه قابل ملاحظه است. (ر. ک 105-109, Neuwirth, 2014)

با فرض پذیرفتن شکاف در سوره‌ها و عدم تسلسل اجزای آن، از یک سو با تحول روشی نویورث مواجه هستیم؛ پس در حالی که خاورشناسان پیشین، از گسستگی سوره‌ها انتقاد نموده و آن را از عیوب سبکی قرآن بر می‌شمارند، نویورث همچون خواننده‌ای مقتدر درصدد تعامل با این شکاف‌ها و گسیختگی‌هاست. و از سوی دیگر، با ابهاماتی نیز در این روش مواجه می‌شویم؛ پیوند دادن و ایجاد ارتباط میان اجزاء، نیازمند استفاده از تخیل خواننده بوده و فرآیندی فردی و ذاتی به‌شمار می‌آید و از خواننده‌ای به خواننده‌ی دیگر متفاوت است. خواننده در هنگام تلاش برای رسیدن به انسجام، همواره ملزم به اتخاذ تصمیم و انتخاب است و ممکن است انتخاب وی با طبیعت و ماهیت متن، متناسب و هماهنگ نباشد و موضوعاتی را

بر متن تحمیل نماید که این موضوع در تفسیر نیورث از سوره‌ی نازعات، قابل ملاحظه است. او معتقد است مجموعه قَسَم‌های آغاز این سوره، به گروه سوارکاران اشاره داشته و اینگونه با مقدمه‌ی سوره‌ی عادیات، همخوانی می‌یابد. وی اذعان می‌دارد این تفسیر از سایر تفاسیر معقول‌تر است و اینگونه تناسبی قوی میان تصاویر حاصل از قسم‌ها و تصویر آخرت ایجاد می‌شود. (Neuwirth, 2014, 107)

از سویی دیگر، گاه خواننده جهت برقراری ارتباط میان اجزای متن بسیار تلاش می‌نماید تا بتواند به انسجامی از متن دست‌یابد و در صورتی که موفق نگردد، دچار یأس و ناخشنودی می‌شود. این مسأله در بررسی نیورث از سوره‌های مدنی قابل ملاحظه است، او می‌گوید "این سوره‌ها که سوره‌های طولانی نامیده می‌شوند به چیدمانی که با دقت و ظرافت ترکیب شده باشد، منتهی نمی‌شوند و به‌نظر می‌رسد آنها نتیجه‌ی عملیات تدوین باشند". (Neuwirth, 2002, 264) ناکامی وی در ساخت یک چارچوب منسجم از متن را، می‌توان دلیل اصلی واکنش همراه با نارضایتی او از ترکیب این سوره‌ها، دانست.

۲.۵ ارتباط با متون پیشین

در رابطه با تشابه شکلی و مضمونی متن جدید با متون پیشین، نیورث به مشابهت مضمونی میان قرآن با نصوص دینی پیشین، توجه بسیاری مبذول می‌دارد. وی در پژوهش خود به اقتباس و تأثر قرآن از کتب مقدس پیشین قائل نبوده و می‌گوید "اگر اخذ و اقتباسی بوده توسط امت صورت گرفته است. امت پرسش‌هایی را براین‌اساس بر پیامبر عرضه کرده است" (نیورث، ۱۳۸۶، ۳۰) به اعتقاد او، قرآن مردمی را مورد خطاب قرار داده که از عقاید و معارف توراتی و انجیلی، اطلاع داشتند. این معلومات دینی مسیحی و یهودی، به صورت شفاهی، در اذهان مردم جای گرفته‌اند. آنها در حین تعامل با پیامبر(ص) دغدغه‌های خود را مطرح نموده و پرسش و پاسخ‌هایی میان پیامبر(ص) و شنوندگان صورت می‌گیرد و به این ترتیب "مسائل اجتماعی و دینی که در اذهان شنوندگان وجود داشتند به شکل وسیعی در متن قرآنی که از زبان پیامبر جاری می‌شود، انعکاس می‌یابند". (Neuwirth, 2010, 144) از دید وی، انعکاس این قضایا در سوره‌های قرآنی، بیانگر مشارکت شنوندگان در گفتگو است و از این رو نتیجه می‌گیرد که "قرآن متنی است که در خوانش آن می‌توان سبک روایتی با قهرمان‌های متعدد را، در نظر گرفت" (Neuwirth, 2010, 142)

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهره دلاور ابریکوه و دیگران) ۶۵

به اعتقاد نویورت، قرآن روایتی نیست که بر اساس تک گویی یک شخص یعنی پروردگار و سپس پیامبر(ص) تنظیم شده باشد، بلکه از اسلوب دیالوگ در روایت یا نمایشنامه، تبعیت می‌نماید (نمودار ۱). او برای توضیح بهتر نظریه‌ی خود، یک گفتگوی تلفنی را مثال می‌زند که در آن دو نفر در مکالمه شرکت کرده‌اند لیکن تنها سخنان یک طرف شنیده می‌شود و سخنان طرف دیگر مکالمه، از پاسخ‌های طرف حاضر، استنباط می‌شود. (Neuwirth, 2010, 144) بر این اساس، پیامبر(ص) و گروه‌های مختلف شنوندگان همچون بازیگران یک درام هستند و

ندای الهی نیز نقش قهرمان اضافی روایت را ایفا می‌نماید که به طور مداوم پیامبر(ص) را مخاطب خود ساخته و به ندرت شنوندگان را طرف صحبت خود قرار می‌دهد، لیکن همواره از آنان سخن می‌گوید و اینگونه در سناریوهای مختلف تعامل میان پیامبر(ص) و شنوندگان، مشارکت دارد. (Ibid)

بر مبنای این نگرش، نویورت معتقد است که متن قرآنی متشکل از واژگان، شکل آیات و سوره‌ها و حتی موضوعات مطرح شده در سوره، در نتیجه‌ی گفتگوهای صورت گرفته میان پیامبر(ص) و شنوندگان، در مدت زمان حیات پیامبر(ص)، دستخوش تغییر و تحول شده‌است. قرآن در این مرحله، شفاهی، غیر ثابت و نامأخوذ از وحی الهی است. (Neuwirth, 2010, 149) با وفات پیامبر(ص) این تحولات نیز خاتمه می‌یابند و مصحفی باقی می‌ماند که در آن "ندای الهی به ندای پیامبر(ص) پیوند یافته و نقش راوی را ایفا می‌نماید و مخاطبان شرکت کننده در نمایش‌نامه نیز به طور کامل پنهان می‌شوند". (Neuwirth, 2010, 144) نویورت میان قرآن شفاهی و مصحف، تمایز گذارده و در مطالعات خود، توجه بسیاری به قرآن شفاهی و فرآیند شکل‌گیری آن، مبذول می‌دارد. وظیفه‌ی کاربردی قرآن در نگرش نویورت، علت این توجه را آشکار می‌سازد.

۳.۵ کارکرد زبان

نویورت قرآن را یک متن ادبی در نظر گرفته و می‌گوید: "قرآن یک متن شعری بوده و از زبانی بلند مرتبه و بی‌نظیر بهره‌مند است"، (Neuwirth, 2014, 3) لیکن تمایز اصلی این متن از سایر نصوص، جایگاه آن به عنوان سند یک امت و تمدن است. بر این اساس، نویورت با دعوت به "خوانش در بافت" قرآن، آن را سجّل ظهور امتی می‌داند که به وسیله‌ی آن، هویت دینی خود

را به طور تدریجی شکل داده و لذا جداانگاری قرآن از آن امت و عدم‌اهتمام به بافت مکه و مدینه، چشم‌پوشی از مهمترین دلایلی است که نشان می‌دهد این متن و دین یک امت، به‌طور هم‌زمان، تکوین یافته‌اند، پس "به جای تصور در انزوای قرآن از تأسیس امت، باید به هم‌زمانی میلاد کتاب و امت دینی با یکدیگر، معتقد شویم" (Ibid). پس واضح است که وظیفه‌ی کاربردی قرآن به عنوان یک متن ادبی، در نگرش نوییورث، در تأسیس هویت دینی یک امت، تجلی می‌یابد. به همین خاطر، وی در مطالعات خود، با تأثیر پذیری از روش گاه شمارانه‌ی نولدکه در ترتیب سوره‌ها، و در نظر گرفتن قرآن به عنوان سند تعاملات پیچیده میان یک مبلغ و امتش که همگام با تحولات امت، تکوین می‌یابد، به خوانش در زمانی قرآن، تمایل می‌یابد، چراکه از این طریق می‌توان "نشانه‌های تحولات شناختی را که در نهایت منجر به دستیابی امت به هویت دینی جدید شده، رصد نمود" (Ibid, 2).

در امتداد نگرش فوق، نوییورث میان قرآن مکتوب و شفاهی تمایز گذارده و قرآن را بیش از دو دهه تعامل شفاهی با دریافت‌کنندگانی در نظر گرفته و معتقد است باید

قرآن را بیش از هر چیز، تفسیری دانست که طبیعتی مجادله‌ای و استدلالی داشته و از سبک ادبی پیشرفته‌ای برخوردار بوده و با شنوندگانی در تعامل است که نسبت به معارف توراتی و انجیلی آگاهی داشته و لذا باید پاسخگوی پرسش‌های آنان باشد. (Neuwirth, 2010, 142)

بر این اساس، وی معتقد است که قرآن بازتابی از فهم شنوندگان نخستین و مجادله‌های فلسفی و لاهوتی میان احزاب مختلف است و در دوره‌ی بیست و چندساله، به لحاظ شکل و مضمون، متحول گردیده و کتابی نیست که شکل آن از پیش مشخص و ثابت شده باشد. از این رو، از دید وی، سوره‌های مکی نخست همچون سوره‌ی مزمل، بیانگر گفتگوهایی با مزامیر هستند و به لحاظ شکل شعری و مضمون عبادی، به وضوح، زبان مزامیر را منعکس می‌نمایند. (Neuwirth, 2014, 5) و اما در دوره‌ی مدینه، علمای یهودی و مسیحی ظاهر شده‌اند و "آثار مناظرات جریان یافته پیرامون برخی پرسش‌های خاص، در قرآن مشهود است." (Neuwirth, 2019, 9)

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان اظهار داشت اگر چه نوییورث قرآن را همچون متن ادبی در نظر گرفته و آن را هم‌مرده با آثار فاخر ادبی قرار می‌دهد و در آثار خود همواره آن را تأکید می‌نماید ولی رویکردی متناقض در پیش می‌گیرد. توقع او از کارکرد قرآن به عنوان متن ادبی، توقعی نیست که مخاطبان از یک متن ادبی دارند. واکنش همراه با یأس او نسبت

ترتیب فعلی سوره‌ها و اعتماد بر ترتیب گاه‌شمارانه‌ی نولدکه‌گواه این مدعاست. چرا عدم‌ترتیب گاه‌شمارانه‌ی منظومه‌ی اشعار حافظ و مولوی، موجب نارضایتی وی نمی‌گردد. تأکید نوییورث بر ادبی بودن قرآن، نه به این خاطر است که او حقیقتاً قرآن را همچون متن ادبی در نظر می‌گیرد بلکه ادبی‌انگاری قرآن توسط او، ابزاری است که او آن را در جهت اثبات نظریه‌ی خود پیرامون تشکیل تدریجی قرآن و تبعیت سبکی و مضمونی آن از مباحثات جدلی در بافت دوره‌ی باستان متأخر و همچنین ارائه‌ی تحلیلی جدید از حضور عناصر مسیحی و یهودی در قرآن، به کار می‌گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با تمرکز بر دو خاورشناس آلمانی به عنوان دریافت‌کنندگان از یک فضای فرهنگی دیگر، به بررسی واکنش‌های زیبایی‌شناختی آنها به قرآن پرداختیم. در باب مقایسه‌ی میان دریافت مخاطبان عرب‌زبان و خاورشناس، ملاحظه‌گردید که ارزش زیبایی‌شناختی قرآن، میان هر دو مجموعه، متفاوت بوده و قرآن در مطالعات خاورشناسان آن‌چنان مورد تقدیر و تحسین قرار نمی‌گیرد. در راستای بررسی اسباب این تفاوت، برخی فرضیه‌ها مطرح است همچون ضعف علم زبان عربی خاورشناسان، عدم تسلط آنها بر علم بلاغت، و عدم دریافت شنیداری قرآن. در رابطه با خاورشناسان مورد بررسی در این پژوهش، فرضیه‌ی نخست مردود است چرا که هر دوی آنها تسلط کامل بر زبان عربی دارند. فرضیه‌ی دوم نیز در رابطه با نولدکه رد می‌گردد چرا که در صورت درستی آن، می‌بایست شعر جاهلی نیز مورد پسند وی قرار نگیرد. فرضیه‌ی سوم در مورد نوییورث قابل قبول نیست چرا که وی سال‌ها، در کشورهای عربی ساکن بوده و صدای تلاوت قرآن را شنیده و به جذابیت آن اذعان می‌دارد.

با بازسازی افق انتظارات نولدکه دریافتیم معیارهای زیبایی‌شناختی وی کاملاً کلاسیکی و مبتنی بر شکل و اسلوب اعمال پیشین بوده‌است. تطابق و هماهنگی آیات و سوره‌ها با این معیارها، به منزله‌ی زیبایی و نیکویی سبکی آنها بوده و عدم تبعیت از معیارها، در نزد وی، مساوی است با ضعف اسلوبی آیات. انتظارات نوییورث نیز از نگرش پساساختارگرایانه و انسجام محور وی به سوره‌ها، نشأت می‌گیرد. او با مطالعه‌ی درزمانی و همزمانی سوره‌ها در پی ایجاد ارتباط میان تمام آیات سوره به منظور تشکیل یک کل منسجم از سوره است. عدم‌دستیابی به انسجام در سوره‌های طولانی مدنی، منجر به ناخشنودی وی از سبک این سوره‌ها می‌گردد.

می توان گفت ارزش زیبایی شناختی قرآن در نزد خاورشناسان تحت تأثیر وظایفی است که آنها در پژوهش های قرآنی خود درصدد آن هستند. پس اگر چه هر دوی آنها، قرآن را به عنوان یک متن ادبی دریافت نموده و بر جنبه های ادبی و سبکی آن متمرکز می شوند لیکن این دریافت ادبی از نوع غیر زیبایی شناختی و یا خارج از تجربه ی زیبایی شناختی به شمار می آید. آنها همچون پژوهشگری هستند که دیوان شعری را بدون توجه به دلایل زیبایی و تأثیرگذاری آن، صرفاً جهت استنباط رسوم زندگانی مردم یک دوره، مورد خوانش قرار می دهد. نولدکه با بررسی سبک قرآن، به دنبال بازچینش مجدد سوره ها بر مبنای ترتیب گاه شمارانه و اثبات نظریه ی خود پیرامون تکوین تدریجی قرآن و تبعیت سبکی سوره ها از احوال مؤلف آن، است. در رابطه با نیورث، تمرکز بر ادبیات و سبک قرآن، ابزاری در جهت اثبات نظریه ی وی درباره ی قرآن شفاهی است که به اعتقاد او، طی بیست و اندی سال در طی گفتگوهای فراوان پیامبر (ص) با مجموعه های مختلف شنوندگان، تکوین یافته و بافت شناختی و مجادله ای آن دوره را منعکس می نماید. او با تکیه بر ترتیب گاه شمارانه ی نولدکه درصدد ارائه ی تحلیلی جدید از عناصر یهودی و مسیحی موجود در قرآن است.

پی نوشت ها

1. I would like to express my gratitude to Professor Stephan Prochazka, a linguistics professor at the University of Vienna in Austria, for his valuable assistance in helping me deduce the type of aesthetic response of Orientalists.

۲. با تشکر از پروفیسور Stephan Prochazka استاد زبان شناس دانشگاه وین اتریش که در استنباط نوع واکنش زیبایی شناختی خاورشناسان اینجانب را یاری نمودند.

کتاب نامه

سروی، فاطمه، ۲۰۱۷، نقد و بررسی نگرش خاورشناسان نیمه ی دوم قرن بیستم به بعد در تفسیر قرآن، رساله ی دکتری، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

علی زاده موسوی، سید حامد، ۱۳۹۷، بررسی و نقد دیدگاه آنجلیکا نیورث درباره بازتاب روایت های کتاب مقدس در قرآن، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، رشته مطالعات تطبیقی ادیان.

نولدکه، تیودور، ۱۳۵۸، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، عباس زریاب، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهرا دلپور ابریکوه و دیگران) ۶۹

نویورث، آنجلیکا، قرآن پژوهی در غرب در گفتگو با خانم آنجلیکا نویورث، هفت آسمان، ۳۴، صص ۱۷-۳۴، ۱۳۸۶.

أحمد بدوی، احمد، ۱۹۹۶، أسس النقد الأدبی عند العرب، الطبعة الأولى، نهضة مصر، القاهرة.

ایخناوم، بوریس، ۱۹۸۲، نظریة المنهج الشکلی، ضمن کتاب "نظریة المنهج الشکلی: نصوص الشکلايين الروس"، تر: ابراهیم الخطیب، الطبعة العربية الأولى، مؤسسة الأبحاث الغربية، بیروت، لبنان.

حسین، طه، ۱۹۹۶، فی الشعر الجاهلی، ط ۳، دار النهر.

ریتشاردز، ا.ا، ۲۰۰۵، مبادئ النقد الأدبی والعلم والشعر، تر: محمد مصطفی بدوی، الطبعة الأولى، المجلس الأعلى للثقافة، القاهرة.

السید، رضوان، ۲۰۱۶، المستشرقون الألمان: النشوء والتأثیر والمصادر، الطبعة الثانية، الطبعة الأولى ۲۰۰۷، دار المدار الإسلامي، ليبيا.

عباس النصراوی، عادل، ۲۰۱۶، إشکالية فهم النص القرآنی عند المستشرقین، الطبعة الأولى، دار الرافدین، بیروت، لبنان، کندا.

علی الصغیر، محمد حسین، ۱۹۹۹، المستشرقون و الدراسات القرآنية، دار المؤرخ، الطبعة الاولى، بیروت، لبنان.

مطر الهاشمی، حسن علی حسن، ۲۰۱۴، قراءة نقدية فی (تاریخ القرآن) للمستشرق تیدودور نولدکه، الطبعة الأولى، دار الكفیل للطباعة والنشر والتوزیع، العتبة العباسية المقدسة.

نولدکه، تیدودور، ۱۹۷۹، من تاریخ ونقد الشعر العربي القديم، ترجمها عن الألمانية عبدالرحمن بدوی، فی ضمن کتاب دراسات المستشرقین حول صحة الشعر الجاهلی، الطبعة الأولى، دارالعلم للملایین، بیروت.

نولدکه، تیدودور، ۲۰۰۴، تاریخ القرآن، نقله الى العربية جورج تامر، الأجزاء الثلاثة فی مجلد واحد، الطبعة الأولى، مؤسسة كونراد-أدناور، بیروت.

الوائلی، عامر عبد زید، ۲۰۱۹، دراسة القرآن عند أنجلیکا نویفیرت، دراسات استشرافية، العدد الثامن عشر، ربيع، صص ۴۰-۷۵.

Jauss Hans Robert, 1982, Towards an Aesthetic of Reception, Timothy Bahti, university of Minnesota.

Kermani, Navid, 2014, God id Beautiful: The Aesthetic Experience of the Quran, Translated by Tony Crawford, Polity Press, Cambridge.

Neuwirth, Angelika, 2002, From and Structure of the Quran, Encyclopedia of the Quran, Vol.2, pp 245-256.

- Neuwirth, Angelika, 2014, Scripture, Poetry, And the making of a Community, reading the Quran as a literary text, Oxford University press, London.
- Neuwirth, Angelika, 2019, The Quran and late Antiquity, Translated by Samuel Wilder, Oxford University press.
- Neuwirth, Angelika, 2010, Two faces of Quran: Quran and Mushaf, Oral Tradition, 25/1, pp 141-156.
- Noldeke, theodor, 2013, The History of the Quran, translated by Wolfgang H. Behn, Brill, Leiden.
- Noldeke, Theodor, 1892, Sketches from Eastern History, translated John Sutherland Black, London, Adam and Charles Black.
- Noldeke, Theodor, 1992, The Quran: An Introductory Essay, N.A, Newman, Interdisciplinary Biblical Research Institute, Hatfield, USA.
- Rachel Friedman, 2012, Interrogating Structural Interpretation of the Quran, Der Islam, Bd 87, pp 130-156
- Rippin, Andrew, Contemporary Scholarly Understanding of Quranic Coherence, Al-Bayan, V 11, Nu 2, December, 2013, 1-14.
- Stefanidies, Emmanuelle, 2008, The Quran Made Linear: A Study of The 'Geschichte des Quran' Chronological Reordering, Journal of Quranic Studies, Volume 10, Issue (2), pp 1-22.

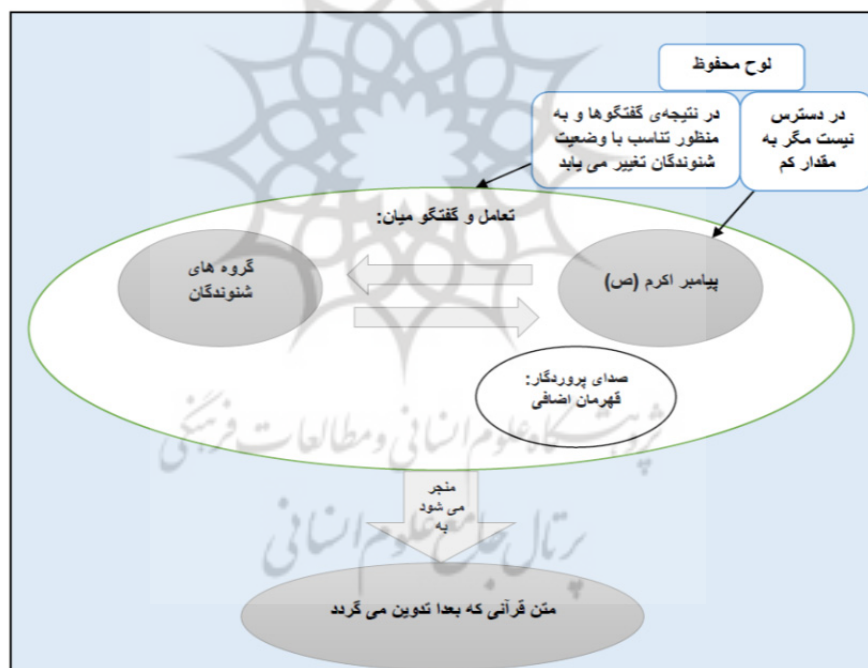
پیوست‌ها

جدول ۱. واکنش‌های زیبایی‌شناختی تئودور نولدکه به قرآن

نوع واکنش	موضوع	مکان
یأس	تحول ناگهانی در مسیر قصه	قصه‌های طولانی
یأس	حذف رابط در میان بخش‌ها	قصه‌های طولانی
یأس	طولانی بودن بیش از حد	قصه‌های طولانی
یأس	عدم ارتباط میان افکار	بخش‌های غیر روایی قرآن
یأس	الفاظ زائد و تکرار آزار دهنده	بخش‌های غیر روایی قرآن
تحسین	شعر گونه بودن و آهنگین بودن با نغمه‌ای زیبا	سوره‌های مکی دوره نخست
تحسین	هماهنگی و حسن چیدمان: شروع خوب و پایان مناسب	برخی سوره‌ها
تحسین و یأس	تحسین به خاطر برخورداری از ویژگی‌های یک اثر هنری و ادبی همچون بکارگیری و ساختار مناسب آرایه‌ها، اندازه‌ی یکسان بخش‌ها و یأس به دلیل آزادی بیش از حد در چیدمان و ترتیب متن	سوره‌ی شعراء

بازسازی افق انتظارات خاورشناسان با تکیه بر ... (زهره دلاور ابریکوه و دیگران) ۷۱

سوره ی زلزله	دارای تأثیر قوی به دلیل شروع زیبا و ماهیت خطابی و آهنگین سوره	تحسین
سوره ی صافات	هماهنگی واتحاد کامل به دلیل پایان مناسب و اشتراک در سبک و قافیه و ملودی	تحسین
سوره الرحمن	تکرار تمام نشدنی آیه ی گوشواره	یأس
سوره های مکی دوره ی دوم	تکرار مداوم افکار	یأس
سوره های مکی دوره ی دوم	طولانی بودن و لغزش به خاطر عدم چیدمان منطقی مثال ها	یأس
سوره های مکی دوره ی سوم	زبان نثر گونه، تکرار بیش از حد موضوعات، تکرار واژگان، تنوع اندک در قصه ها	یأس
سوره های مکی دوره ی سوم	عدم هماهنگی میان شکل و مضمون به دلیل نثرگونی و درازی، همچنین طول فزاینده ی آیات همراه با استفاده از قافیه ی شعری	یأس
سوره های مدینه	سبک پریشان و تقید غیر ضروری به قافیه در فضای سوره های مربوط به احکام شریعت	یأس



نمودار ۱. تعامل میان گوینده (پیامبر اکرم (ص)) و شنوندگان در دوره ی تکوین قرآن شفاهی از منظر نویورت